یادداشت

کوهِ معادن موش می‌زاید!

وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

مجلسی‌ها بارها از آنچه «اصلاح قانون معادن» می‌نامند سخن گفته‌اند و هر بار طرحی تازه در دستور کار قرار گرفته و از تحول، بهره‌وری و توسعه پایدار سخن رفته است، اما در عمل، آنچه از دل کوه گنج معادن زاده می‌شود، چیزی جز موش درآمدی کوچک و نحیف نیست که سودی هم برای مردم ندارد.

در حالی که مجلس با جدیت در پی افزودن بند و تبصره به قانون معادن است، هیچ گزارش شفافی از میزان درآمد واقعی این بخش در دست نیست؛ نه معلوم است چه مقدار از معادن کشور فعالند، نه روشن است حاصل استخراج‌شان به کجا می‌رود و نه مشخص است درآمد حاصل چگونه و در کدام مسیر هزینه می‌شود. در کشوری که باید کوچک‌ترین معدن، سامانه‌ای برخط داشته باشد تا میزان تولید، فروش، مالیات پرداختی و مصرف انرژی آن قابل مشاهده باشد، حتی آمار دقیق از تعداد معادن دارای مجوز و فعال وجود ندارد.

ده‌ها دستگاه و نهاد در حوزه معدن دخیل هستند و هر کدام بخشی از کار را در دست گرفته‌اند، اما هیچ‌کدام پاسخگو نیستند. این تعدد متولیان، خود به تنهایی آفتی برای کارآمدی است. مجلس اگر اراده اصلاح دارد، باید نخست این کلاف سردرگم را باز کند، نه آنکه بر پیچیدگی‌اش بیفزاید.

سال‌هاست نمایندگان از پشت تریبون از «بهره‌وری پایین» معادن سخن می‌گویند، اما بهره‌وری از کجا می‌آید؟ از قانون تازه یا از نظارت بر اجرای همان قوانین موجود؟ معادن ما امروز یا در اختیار بخش‌هایی است که به‌اصطلاح خصوصی هستند، اما در عمل به نهادهای شبه‌دولتی وابسته‌اند یا در دست کسانی است که به نام سرمایه‌گذار، با حداقل سرمایه و حداکثر سوداگری، مجوز استخراج گرفته‌اند و پس از چندی با انبوه بدهی و تخریب محیط زیست از صحنه محو می‌شوند. کدام نهاد تاکنون حسابرسی کرده است؟ کدام گزارش رسمی منتشر شده است که بگوید از معدن فلان شهرستان در ۱۰سال گذشته چه میزان ماده معدنی استخراج و چه مبلغی به خزانه کشور واریز شده است؟ حقیقت این است که بخش معدن، در نبود نظارت مؤثر، به جولانگاه منافع متعارض تبدیل شده است. هر کس تکه‌ای از این کیک را در دست دارد و برای انتفاع مقطعی خود می‌کوشد.

مجلس به جای افزودن قانون، باید ابزار نظارت را قوی‌تر کند، گزارش‌دهی را الزامی و شفاف سازد و ضمانت اجرای تخلفات را سخت‌تر. مهم‌تر از قانون‌نویسی، نظارت بر اجرای دقیق قانون در میدان واقعی اقتصاد است.

حضرات نمایندگان حتماً نیک می‌دانند که مشکل ما کمبود قانون نیست، بلکه وفور بی‌قانونی در اجرای قانون است. ده‌ها ماده قانونی وجود دارد که دولت را صراحتاً مکلف به ارائه گزارش درآمد معادن، رعایت محیط زیست، بازسازی زمین پس از بهره‌برداری و پرداخت حقوق دولتی کرده است، اما این مواد در حد کاغذ مانده‌اند. نه کسی پیگیر اجرای‌شان است و نه نهادی به خاطر ترک فعل مؤاخذه می‌شود. اگر همین قوانین فعلی اجرا می‌شدند، نیازی به اصلاح و بازنویسی‌شان نبود.

برای نمونه، قانون فعلی تصریح می‌کند که بخشی از درآمد معادن باید مستقیماً صرف توسعه منطقه‌ای شود. کافی است گزارش دهند که مثلاً دو معدن طلای فلان شهرستان کوچک چه میزان از این سهم قانونی را به عمران و توسعه همان منطقه اختصاص داده‌اند؟ واقعیت تلخ آن است که معادن نه به توسعه منطقه‌ای کمک می‌کنند و نه به سرمایه ملی می‌افزایند.

مجلس اگر دلسوز معیشت مردم و رشد اقتصادی است، باید نخست بپرسد چرا درآمدهای معدنی به رفاه عمومی بدل نمی‌شود. اینکه چه میزان سنگ از زمین بیرون می‌آید اهمیت ندارد، مهم آن است که چه میزان ثروت از دل آن برای جامعه استخراج می‌شود. در نبود نظارت، معدن نه فرصت که تهدید است. تخریب زمین، آلودگی آب‌ها، از بین رفتن پوشش گیاهی و مهاجرت روستاییان، هزینه‌هایی است که بر دوش جامعه می‌ماند، در حالی که سودش در جیب گروهی محدود جمع می‌شود.

هر بار حادثه‌ای در معادن زغال‌سنگ رخ می‌دهد، همان وعده بررسی، وعده اصلاح قانون، وعده تدوین آیین‌نامه‌ای تازه و خلاصه رشته‌ای از وعده‌های بی‌انجام تکرار می‌شود اما هیچ‌گاه پرسیده نمی‌شود چرا همین آیین‌نامه‌های فعلی اجرا نمی‌شود؟ آیا با تغییر چند واژه در قانون، ایمنی کارگران تضمین می‌شود؟ آیا با افزودن یک تبصره، جان معدنچی حفظ می‌شود؟ ایمنی، کاغذ تازه نمی‌خواهد، فرهنگ سازمانی و نظام نظارتی مقتدر می‌خواهد.

مجلس باید به جای تولید انبوه قانون، نهاد نظارت بر معادن را بازسازی کند. باید سامانه‌ای ملی پدید آید که در آن درآمد، هزینه، مجوز، تولید و صادرات هر معدن ثبت و برای عموم مردم قابل مشاهده باشد. فقدان شفافیت مالی، یکی از بزرگ‌ترین معضلات این بخش است. حقوق دولتی که باید به خزانه واریز شود، در بسیاری از موارد یا با تأخیر پرداخت می‌شود یا رقم واقعی آن قابل راستی‌آزمایی نیست. هیچ نهادی به درستی نمی‌داند میزان استخراج واقعی با میزان اعلام‌شده تا چه اندازه تفاوت دارد.

اصلاح قانون بدون اصلاح سازوکار نظارت، آب در هاون کوبیدن است. باید پذیرفت که مشکل در زیرزمین نیست، روی زمین است. به جای آنکه معدن را منبعی برای آبادانی بدانیم، آن را چاهی برای پرکردن بودجه‌های کوتاه‌مدت دیده‌ایم. در حالی که اگر همین منابع به درستی مدیریت می‌شدند، می‌توانستند به سرمایه‌ای عظیم برای چرخاندن چرخ‌های اقتصاد کشور تبدیل شوند. مع‌الأسف معادن در بسیاری از شهرستان‌ها توسعه‌ای به همراه نیاورده و فرسودگی زیرساخت‌ها و مهاجرت را نیز دامن زده‌اند. گویی معدن در کنار مردم است، اما برای مردم نیست. کافی است نگاهی به شهرها و روستاهای پیرامون معادن بزرگ کشور بیندازیم؛ جاده‌ها خاکی است، مدارس فرسوده‌اند و جوانانِ بیکار نظاره‌گر کامیون‌هایی هستند که ثروت سرزمین‌شان را از دل کوه بیرون می‌برند. آیا این همان بهره‌وری و توسعه‌ای است که مجلس وعده می‌دهد؟ معدن اگر قرار است موتور محرک اقتصاد باشد، باید نخست مردمِ پیرامون خود را سیراب کند، نه اینکه بر تشنگی‌شان بیفزاید.

مجلس و به ویژه کمیسیون صنایع و معادن اگر واقعاً قصد اصلاح دارد، باید پیش از هر شعار و طرح تازه، به یک پرسش ساده اما بنیادین پاسخ دهد اینکه درآمد واقعی معادن کشور چقدر است و چگونه هزینه می‌شود؟ اصلاح قانون، بدون دانستن واقعیت میدان، شبیه نسخه‌نویسی برای بیماری است که هنوز تشخیص نگرفته است. پیش از افزودن تبصره‌ها و واژه‌ها، باید تصویر روشنی از وضع موجود داشت. اکنون هیچ گزارش جامع و قابل‌اعتمادی از عملکرد مالی، میزان استخراج، صادرات و نحوه هزینه‌کرد درآمدهای معدنی منتشر نمی‌شود. اگر کمیسیون صنایع و معادن می‌خواهد به رسالت خود عمل کند، نخست باید داده‌ها را جمع‌آوری، صحت‌سنجی و علنی کند، چه آنکه مردم باید بدانند از ثروت زیرزمینی‌شان چه بهره‌ای می‌برند و سهم‌شان از این همه استخراج چیست. شفافیت در درآمد و هزینه، نخستین گام اصلاح است. بدون آن، هر طرحی برای تغییر قانون، تنها بازی با کلمات است. کمیسیون باید به جای شعارِ «اصلاح قانون معادن»، گزارش واقعی از وضعیت معادن ارائه دهد و با صراحت اعلام کند که درآمدهای معدنی کشور کجاست، چه میزان است و چگونه خرج می‌شود.

ساکنان مسکن ملی دماوند محک گیلاوند بعد از تسویه نیز باید پول پرداخت کنند!

جولان پیمانکاران مسکن ملی در غیاب نظارت دولتی

گزارش یک
سعیده زمانی

طرح مسکن ملی قرار بود پاسخی به نیاز مسکن اقشار کم‌درآمد باشد. از طرح‌های حمایتی این انتظار می‌رود که دولت در تمامی مراحل نظارت داشته و حامی باشد اما در برخی پروژه‌ها دولت و دستگاه‌های متولی نقش نظارتی خود را به درستی ایفا نمی‌کنند و به گفته متقاضیان بیشتر از نقش نظارتی و حمایتی به بازدیدهای سطحی بسنده می‌کنند. با توجه به تداوم مشکلات این گونه به نظر می‌رسد که این نظارت‌ها برای خالی نبودن عریضه است. خروجی این شرایط، تحویل ساختمان‌هایی بی‌کیفیت با نمایی ترک‌خورده، بدون نقاشی، بدون پمپ آب و با آسانسورهای غیراستاندارد است. هر چند دولت اعلام کرده است واحدی را بدون خدمات زیربنایی (آب، برق، گاز، فاضلاب) تحویل نمی‌دهد اما واقعیت آن است که سطح رفاه ساکنان فقط در آب و برق خلاصه نشده و ضروری است دولت نظارت جدی بر عملکرد واحدهای به ظاهر تکمیل‌شده داشته باشد.

علی پوردهقان | جوان

در مسکن ملی دماوند محک گیلاوند گزارش‌ها حاکی از آن است که واحدها در شرایطی تحویل داده شده‌اند که هم اکنون ساختمان‌ها دچار مشکلات اساسی هستند. فارغ از بدقولی پیمانکاران برای تحویل بموقع واحدها، هم‌اکنون ساکنان این مناطق به رغم تسویه کامل و تحویل واحدهای خود با صورتحساب جدیدی روبه‌رو شده‌اند که جدا از ناتوانی در پرداخت، دلیل آن را نیز نمی‌دانند.

میزان پیشرفت فیزیکی طرح‌های حمایتی مسکن در شهرهای جدید به ۳۳درصد رسید. ایراد در نحوه انتخاب سازندگان مسکن ملی از سوی دولت، یکی از دلایل اصلی کندی اجرای این پروژه‌ها در سطح کشور را به خوبی توضیح می‌دهد.

انبوه‌سازان فعال در کشور، مشکل بزرگ مسکن ملی را بیراهه واگذاری پروژه عنوان می‌کنند و معتقدند، اگر دولت با انبوه‌سازان حرفه‌ای توافق برد-برد انجام می‌داد، امروز سرعت طرح و همچنین کیفیت اجرای ساخت و ساز به مراتب بیشتر از این بود.

کم‌توجهی به این مسئله بسیاری از متقاضیان مسکن ملی را با مشکلات متعددی روبه‌رو کرده است؛ از تحویل دیرهنگام واحدها تا مسائل و مشکلات ایجادشده برای ساکنان این واحدها.

■ افزایش آورده‌های نقدی با فرسایشی شدن پروژه‌ها

یکی از ساکنان مسکن ملی دماوند محک گیلاوند در گفت‌وگو با «جوان» گفت: سال ۱۳۹۹ پروژه آغاز شد. زمان تحویل در قرارداد، تاریخی به صورت کتبی اعلام نشد اما در نهایت اعلام کردند این پروژه تا سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ تمام می‌شود.

وی افزود: در آن زمان ۳۰۰میلیون تومان به عنوان رقم آورده متقاضیان تعیین و اعلام شد ۳۰۰میلیون تومان نیز مبلغ وام دولت است که به متقاضیان ارائه می‌شود. در نهایت اتمام کار این پروژه تا ۱۴۰۴ طول کشید و ۳۰۰میلیون تومان آورده، به یک‌میلیاردو ۴۰۰میلیون تومان با وام ۵۵۰میلیون تومانی رسید. در واقع قیمت تمام‌شده برای متقاضیان از متری ۳میلیون تومان به ۱۰میلیون و در نهایت به ۲۰میلیون تومان افزایش یافت.

■ تحویل واحدهای با کیفیت ساخت پایین

این فرد مطلع با اشاره به مشکلات ساختمان‌های تحویل گرفته شده گفت: از تاریخ ۳۰ اردیبهشت امسال، واحدها را تحویل گرفتیم، اما شرایط ساختمان به گونه‌ای است که انگار با ساختمان قدیمی روبه رو هستیم. نمای ساختمان تماماً ترک خورده و نم داده است. آسانسور تأییدیه ندارد و بیمه نیست و حتی یک کپسول آتش نشانی نیز در ساختمان وجود ندارد. وی با اشاره به عدم‌تأمین پمپ آب و مشکلات ناشی از آن افزود: نقاشی ساختمان و پارکینگ‌ها نیز انجام نشده و پیمانکار اعلام کرده است تا پولی ندهند کار انجام نمی‌شود.

این ساکن مسکن ملی ادامه داد: به رغم تسویه کامل و حتی پرداخت شش قسط از سوی ساکنان به تازگی اعلام کرده‌اند ۹۰ تا ۱۳۰میلیون تومان بابت کارهای اجرایی و اخذ پایان کار باید پرداخت کنیم و واقعاً برای ساکنان این سؤال ایجاد شده است که چرا باید این مبلغ پرداخت شود. به علاوه اینکه این مسکن، مسکن حمایتی است و برای اقشار آسیب‌پذیر بسیار مشکل است که بتوانند این مبالغ را تأمین کنند.

وی گفت: برای رسیدگی به این مسئله استشهادیه تهیه و به بنیاد مسکن تهران نیز مراجعه کردیم و گفتند باید بررسی کنیم و اطلاع می‌دهیم، اما شنیده‌ها حاکی از این است که گویا پرداخت این مبلغ باید از سوی ساکنان صورت گیرد.

■ تحمیل مبالغ جدید بعد از دریافت پایان کار

این فرد مطلع با اشاره به پیگیری‌ها از وزارت راه و شهرسازی و فرمانداری بابت مشکلات متعدد مسکن ملی دماوند محک گیلاوند افزود: از دولت می‌خواهیم بر عملکرد پیمانکاران و سازندگان نظارت داشته باشد. زندگی در این شرایط که مشکلات متعددی به لحاظ مختلف به خصوص از نظر ایمنی و مالی برای ساکنان ایجاد شده بسیار سخت است. قرار بود واحدهای مسکن ملی در حمایت از خانه‌دار شدن اقشار آسیب‌پذیر باشد، اما کمترین انتظار این است که تحویل این واحدها بموقع باشد نه اینکه با مرور زمان گرفتار افزایش مبالغ آورده باشیم یا بعد از تسویه کامل، به ساکنان پرداخت مبالغ جدید تحمیل شود.

وی افزود: زمانی که از چرایی افزایش مبالغ آورده‌ها صحبت به میان می‌آید، عنوان می‌کنند پروژه مشمول زمان و تورم شده است و با توجه به مبلغ نهایی آورده، حالا ما با واحدهایی روبه‌رو هستیم که می‌توانستیم به صورت دلخواه و با شرایط مورد نظر در محله‌ای مناسب‌تر تهیه کنیم. واحدهای مسکن ملی دماوند هم اکنون از سوی واسطه‌گران با مبلغ تقریبی ۲میلیارد تومان معامله می‌شود و برای ما که این میزان انتظار کشیده‌ایم، واقعاً خسارت‌بار است.

این ساکن مسکن ملی با اشاره به وام ۵۵۰میلیون تومانی مسکن ملی گفت: مبلغ سود این تسهیلات نیز بسیار سنگین است و در نهایت بعد از ۱۲سال باید یک‌میلیاردو ۷۰۰میلیون تومان با سود اسمی ۱۸درصد و سود واقعی ۲۳درصد پرداخت کنیم. انتظار این است دولت توجه ویژه‌تری به مسکن‌های حمایتی داشته باشد.

■ ضرورت اضافه شدن بند جریمه در قرارداد با پیمانکاران بدعهد

مجید گودرزی، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان» گفت: متأسفانه مسکن ملی به موضوعی بغرنج تبدیل شده است. به علت طولانی شدن دوره ساخت و تورم کشور، هزینه‌های تمام شده از جمله مصالح ساختمانی بالا می‌رود و این کار را برای متقاضیان سخت می‌کند.

وی با اشاره به اهمیت انتخاب پیمانکار و همچنین تدوین قراردادهای دقیق که در آن بند جریمه برای بدقولی پیمانکاران در نظر گرفته می‌شود، افزود: متأسفانه در طرح‌های انبوه‌سازی مشاهده می‌کنیم که در برخورد با مسببان تأخیر در پروژها از جمله پیمانکاران و همچنین بانک‌ها که باید ۲۰درصد از تسهیلات خود را به حوزه مسکن اختصاص می‌دادند، مسامحه و هزینه‌های ناشی از مسامحه از جیب مردم پرداخت می‌شود.

■ ترک فعل سیاستگذار بخش مسکن و لزوم ورود جدی مجلس

گودرزی با انتقاد از سیاست‌های دولت چهاردهم در حوزه مسکن گفت: متأسفانه در برخی دولت‌ها شاهد این بوده‌ایم که اساساً اعتقادی به مسکن‌سازی دولتی وجود نداشته و نتیجه آن به گرانی شدید قیمت مسکن منجر شده است. به عنوان مثال در دوره سکانداری آقای آخوندی در وزارت راه و شهرسازی دولت‌های یازدهم و دوازدهم قیمت مسکن رشدی ۷۲۵درصدی داشته است که ۴۷۷درصد از تورم عمومی ۲۴۸درصدی بیشتر بود.

این کارشناس اقتصادی با بیان اینکه دولت به تکالیف خود در حوزه عرضه زمین، تسهیلات مسکن، عمل به قوانین برنامه هفتم توسعه در زمینه مسکن، قانون جهش تولید مسکن و قانون ساماندهی بازار زمین، مسکن و اجاره‌بها عمل نمی‌کند، گفت: با سیاست‌های اتخاذشده صنعت ساختمان‌سازی قفل شده است، البته پیش‌بینی می‌شد عملکرد وزیر راه و شهرسازی در حوزه مسکن اینچنین باشد. وی ضمن تأکید بر ضرورت پرهیز از اقدامات نمایشی دستگاه‌های قانونگذار و نظارتی برای برخورد با ترک‌فعل وزیر راه و شهرسازی در حوزه مسکن گفت: دولت وظایف خود را در تنظیم‌گری مسکن و همچنین پیشرفت طرح مسکن ملی انجام نمی‌دهد و انتظار می‌رود مجلس اقدام مؤثری در زمینه پیگیری قوانین حوزه مسکن انجام دهد.

■ بار مضاعف بر دوش متقاضیان طرح‌های حمایتی مسکن

تجربه مسکن ملی دماوند محک گیلاوند تنها یک نمونه از چالش‌های فراگیر طرح‌های حمایتی مسکن در کشور است؛ طرح‌هایی که با نیت خانه‌دار کردن اقشار کم‌درآمد آغاز اما در اجرا، به دلیل ضعف نظارت، پیمانکاری‌های ناهماهنگ و نبود شفافیت مالی، گاه به بار مضاعفی بر دوش همین اقشار تبدیل می‌شوند.

دولت اگر قصد دارد طرح‌های حمایتی را از مسیر شعار به واقعیت برساند، باید نظارت مرحله‌به‌مرحله بر عملکرد پیمانکاران و دستگاه‌های اجرایی را جدی بگیرد. شفاف‌سازی قراردادها، تعیین دقیق تعهدات هر طرف و الزام به تحویل واحدهای ایمن و کامل، حداقل انتظاری است که مردم از دولت دارند. مسکن حمایتی تنها با نظارت واقعی و پاسخگویی مشخص معنا پیدا می‌کند، وگرنه خانه‌ای که قرار بود پناهگاه شود، خود به دغدغه‌ای جدید برای خانواده‌های کم‌درآمد بدل خواهد شد.

> **انبوه‌سازان فعال در کشور، مشکل بزرگ مسکن ملی را بیراهه واگذاری پروژه عنوان می‌کنند و معتقدند، اگر دولت با انبوه‌سازان حرفه‌ای توافق برد-برد انجام می‌داد، امروز سرعت طرح و همچنین کیفیت اجرای ساخت‌وساز به مراتب بیشتر از این بود**

> **قرار بود واحدهای مسکن ملی در حمایت از خانه‌دار شدن اقشار آسیب‌پذیر باشد، کمترین انتظار این است که تحویل این واحدها بموقع باشد نه اینکه با مرور زمان گرفتار افزایش مبالغ آورده باشیم یا بعد از تسویه کامل، به ساکنان پرداخت مبالغ جدید تحمیل شود**

گزارش ۲
بهناز قاسمی

شایعات برنجی در مطبخ بی‌عملی دولت قد می‌کشد

دبیر انجمن تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان برنج: یک‌سال‌ونیم است بانک مرکزی ارز واردات برنج را به واردکنندگان تخصیص نداده و حدود ۷۵۰میلیون یورو دولت به واردکنندگان برنج بدهکار است

گرانی قیمت برنج وارداتی (پاکستانی) اخیراً بر سر زبان‌ها افتاده است. از تاجر و فعال بازار برنج گرفته تا کشاورز و مصرف‌کننده از قیمت ۱۸۰ تا ۲۰۰هزار تومانی برنج پاکستانی گلایه می‌کنند. برخی از سود بالای واردکنندگان سخن می‌گویند و برخی از کمبود برنج خارجی و سیاست‌های غلط وزارت جهاد کشاورزی پرده برمی‌دارند. گفته می‌شود دولت ارز ترجیحی ۲۸هزارو۵۰۰ تومانی برای واردات برنج تخصیص داده است تا بازار تنظیم شود، اما نه تنها قیمت‌ها متعادل نشده، بلکه برنج پاکستانی و هندی هم از سفره‌های مردم حذف شده است.

دبیر انجمن تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان برنج در خصوص کمبود برنج وارداتی در بازار می‌گوید: سیاست‌های غلط وزارت جهاد کشاورزی و ممنوعیت واردات برنج در سه ماهه نخست امسال، بازار را با کمبود مواجه کرد، اما نکته مهم این است که دولت از سال گذشته و شش ماهه امسال ارز واردات این کالا را تخصیص نداده است. در حال حاضر دولت ۷۵۰میلیون یورو به واردکنندگان بدهکار است و به دلیل عدم‌تخصیص ارز، تجار امکان واردات ندارند، زیرا تاجر خارجی دیگر کالای خود را اعتباری به ایرانی‌ها نمی‌فروشد، از این رو قیمت برنج‌های وارداتی هم نجومی شده است.

افزایش ۲۰۰درصدی قیمت برنج در نیمه نخست امسال موجب حذف این کالای ضروری از سفره‌های بسیاری از مردم و سبد معیشت اقشار ضعیف و متوسط جامعه شد. در این میان، وزارت جهاد کشاورزی بدون توجه به کاهش واردات برنج در نیمه نخست امسال و کاهش تولید برنج ایرانی به دلیل کمبود آب و خشکسالی با خوش‌بینی به مردم کاهش قیمت‌ها بعد از برداشت برنج در شهریور را وعده داد. حال با گذشت ۴۰ روز از تاریخ برداشت برنج ایرانی، قیمت‌ها سر به فلک کشیده است. برنج ایرانی بالای ۳۰۰هزار تومن و برنج‌های وارداتی مانند پاکستانی که برنج سفید هستند و رقیب برنج داخلی قیمت‌های متفاوتی در بازار دارند، قیمت برخی از اقلام آن تا ۱۶۰ تا ۱۸۰هزار تومان هم رسیده است.

■ یک عضو اتاق بازرگانی: برنج دبش در راه است

در روزهای اخیر فیلمی از یک عضو اتاق بازرگانی ایران وایرال شده است که در آن با انتقاد از گرانی قیمت برنج خارجی، از رانت بالای واردکنندگان و دلالان پرده برمی‌دارد.

محمدحسین روشنک، رئیس اتاق بازرگانی خراسان‌شمالی در دولت شهید رئیسی نسبت به رانت بالای واردات هشدار می‌دهد و ادعا می‌کند قیمت برنج پاکستانی در کشور مبدأ یک دلار است، اما با اینکه دولت ارز ترجیحی برای واردات آن تخصیص می‌دهد، با قیمت‌های ۱۸۰ تا ۲۰۰هزارتومان به دست مصرف‌کننده می‌رسد. اگر دولت (شهید رئیسی) تدبیر نکند، ماجرای چای دبش در خصوص برنج نیز به زودی رخ می‌دهد.

■ واقعیت ماجرا چیست؟

مسیح کشاورز، دبیر انجمن تولیدکنندگان و تأمین‌کنندگان برنج در گفت‌وگو با «جوان» در خصوص دلایل گرانی قیمت برنج ایرانی و خارجی می‌گوید: خرداد ماه امسال شهرزاد مشیری، معاون بازرگانی وزارت جهاد کشاورزی ثبت سفارش واردات برنج پاکستانی را متوقف کرد. تشکل‌ها و انجمن‌های مرتبط با این محصول نامه‌نگاری‌های بسیاری انجام دادند تا واردات برقرار شود، اما موفق نشدند.

وی می‌افزاید: برنج پاکستانی ۳۰درصد در بازار ایران سهم دارد. نوع پرمحصول و درجه یک آن رقیب برنج ایرانی است. متأسفانه معاون بازرگانی وزارت جهاد، قیمت ارزی برنج وارداتی را نیز کاهش داد و از خرداد ماه بعد از دو ماه ممنوعیت، واردکنندگان مکلف شدند برنج‌های ارزان و کمتر از ۹۰۰یورو وارد کنند. این سیاست غلط وزارتخانه جهاد موجب کاهش حجم برنج خارجی در بازار شد و در فصل برداشت در شهریور، قیمت انواع ایرانی آن ارزان نشد، زیرا رقیبی در بازار نبود که برنج داخلی با آن رقابت کند و ارزان شود.

وی تأکید می‌کند: بعد از استعفای مشیری اعلام شد بخش خصوصی ۱۵۰هزار تن برنج برای تأمین ذخایر استراتژیک بازرگانی دولتی وارد می‌کند، اما به دلیل بدهی به طرف‌های خارجی فقط ۲۵هزار تن آن وارد و تحویل شد.

■ بدهی ۷۵۰میلیون یورویی بانک مرکزی به واردکنندگان برنج

کشاورز دلیل گرانی قیمت برنج‌های وارداتی به ویژه پاکستانی را کمبود و عدم‌نظارت بر بازار می‌داند و می‌گوید: بانک مرکزی از سال گذشته تا شش ماهه امسال هیچ ارزی بابت واردات برنج نپرداخته و حدود ۷۵۰میلیون یورو به واردکنندگان بدهکار است. واردکننده ۱۸ماهه برنج وارد و توزیع کرده و حتی یک دلار هم ارز نگرفته است، آقایان چگونه قیمت واردات را می‌توانند تخمین بزنند.

وی به اظهارات روشنک، عضو اتاق بازرگانی ایران اشاره می‌کند و می‌گوید: برخی افراد بدون توجه به قیمت برنج در مبدأ و هزینه‌های حمل ونقل و کارگر تلاش می‌کنند واردات را زیر سؤال ببرند. در حالی که وزارت جهاد، سازمان مدیریت و وزارت اقتصاد موظفند تخصیص ارز را برحسب هزینه‌های واردات محاسبه و بپردازند.

> **وزارت جهاد کشاورزی بدون توجه به کاهش واردات برنج در نیمه نخست امسال و کاهش تولید برنج ایرانی به دلیل کمبود آب و خشکسالی با خوش‌بینی به مردم کاهش قیمت‌ها بعد از برداشت برنج در شهریور را وعده داد. حال با گذشت ۴۰ روز از تاریخ برداشت برنج ایرانی، قیمت‌ها سر به فلک کشیده است**